

تطور نشانه شناختی ساقی‌نامه‌ها با تأکید بر ساقی‌نامه رضی‌الدین آرتیمانی و هوشنگ ابتهج

اسمیه خورشیدی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم

احمد رضایی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم

چکیده

ساقی‌نامه از گونه‌های ادب غنایی با است که اغلب در بردارنده موضوعاتی مانند سرخوشی، اغتمام فرصت، بهره‌مندی از زمان است؛ به نظر می‌رسد تحولات اجتماعی کارکرد این نوع ادبی را نیز متأثر ساخته است و آن را از کارکردی غنایی به کارکردی اجتماعی دگرگون کرده که با به کارگیری ابزاری نظام‌مند می‌توان این تغییر کارکرد را نشان داد. از جمله این ابزار دانش نشانه‌شناسی است که می‌کوشد تا خاستگاه متن را از طریق زیرانگاشت‌هایی که در آن گسترده اند، شناسایی کند و بر انسجام درونی متن، علی‌رغم وجود نادرستی‌ها از طریق عبور از خوانش اکتشافی به خوانش پس‌کنشانه، دست یابد. پژوهش حاضر به مقایسه و تحلیل نشانه‌شناسیک ساقی‌نامه هوشنگ ابتهج و رضی‌الدین آرتیمانی از دو دوره مختلف، پرداخته است. خوانش اکتشافی و پس‌کنشانه و تمرکز بر منظومه‌های توصیفی و کمینه‌نگاشت‌های دو متن، نشان می‌دهد متون مذکور علی‌رغم توجه به بن‌مایه‌های برجسته نوع ادبی ساقی‌نامه، کمینه محتوای آن را دگرگون کرده‌اند؛ بر این اساس، ابتهج با بهره‌گیری از رمزگان اساطیری تنوع و پیام‌های عمیق‌تری را منتقل کرده و به عناصر اصلی آن معنایی دیگر بخشیده است؛ ساقی‌در ساقی‌نامه وی بار معنایی جدید یافته و رویکرد اجتماعی این ساقی‌متن را با توجه به وقایع جامعه برجسته‌تر کرده است. بر اساس تحلیل ماتریس‌های دو متن، درحالی‌که آرتیمانی برای رهایی از بیداد و ستم به فنا و خداوند می‌اندیشد و ابتهج به دنبال نجات دهنده‌ای است که خفتگان جامعه را بیدار کند.

واژه‌های کلیدی: مقایسه، نشانه‌شناسی، ساقی‌نامه، آرتیمانی، ابتهج

Semiotic evolution of the Drinking Song Based on the Houshang Ebtehaj and Razi-al-din Artimani's Drinking Songs

Abstract

Drinking Song is a kind of lyric that dates back to the Anacreontic verse. It seems that social developments have also affected the function of this type of literature and transformed it from a lyrical function to a social function, which can be shown by using a systematic tool. One of these tools is the knowledge of semiotics, which tries to identify the origin of the text through the sub-images that are spread in it and to achieve the internal coherence of the text, in spite of the existence of inaccuracies, through the exploratory reading to the post-exploratory reading. The present study has compared and analyzed the semiotic semiotics of Houshang Ebtehaj and

Razi-al-din Artimani from two different periods. Exploratory and retrospective reading and focus on descriptive systems and hypograms of the two texts show that the mentioned texts, despite paying attention to the prominent themes of the literary type of the drinking song, have changed their content. Accordingly, Ebtehaj, using mythological codes, conveys deeper diversity and messages and gives another meaning to its main elements; The butler has found a new meaning in his drinking song and the social approach of this butler, according to the events of the society, has made the text more prominent. According to the analysis of the matrices of the two texts, while Artimani thinks of annihilation and God to get rid of tyranny and oppression, Ebtehaj seeks a savior who will awaken the dormant society.

Keywords: Comparison, Semiotics, Drinking Song, Artimani, Ebtehaj

مقدمه

ساقی نامه یکی از گونه های منظوم ادبیات که در بحر متقارب مثنی مقصور محذوف آمده و شاعر در آن با خطاب قرار دادن ساقی و خواستن می برای دفع اندوه غم و اندوه و ناهنجاری های روزگار خویش و تکلیف سرودن و نواختن به مغنی، مکنونات خاطر خود را آشکار می کند و در ضمن بیان این مطالب، کلمات حکمت آمیز نیز بدان می افزاید» (انوشه، ۱۳۸۱: ۷۷۷). ساقی نامه را می توان از نخستین نمونه های شعر غنایی محسوب نمود؛ به ویژه اینکه ارسطو به جای شعر غنایی، از دیتی رامب نام برده است که سروده ایی بوده است توأمان با رقص و آواز در بزرگداشت باکوس خدای شراب و باروری (رضایی، ۱۳۹۳: ۱۳۲). اگر خمریات را جزو ساقی نامه ها یا زمینه ساز آن بدانیم، چنین شعری، در بین گونه های شعر فارسی قدمتی طولانی دارد؛ مضامین ساقی نامه ها دارای مضامین سرخوشی و اغتنام فرصت، گاهی در بردارنده مواعظ و نکته های اخلاقی و حکمی است که در طول روزگاران به علل مختلف، مضامین یا کمینه محتوای ساقی نامه ها دگرگون شده است. یکی از علل اصلی این دگرگونی، زمینه های اجتماعی است، این امر موجب شده ساقی نامه کارکرد جدید و بسیار متفاوتی به خود بگیرد.

به کارگیری شیوه های نظام مند تحلیل متون، می تواند چگونگی تغییرات انواع ادبی و در این جا ساقی نامه ها را نشان دهد. از جمله این نظام ها دانش نشانه شناسی است؛ نشانه شناسی روشی میان رشته ای است که با بهره مندی از حوزه های مختلف، به مطالعه نظام مند عواملی پردازد که در فرایند رسیدن به دلالت های موجود در متن، اثرگذارند. در میان نشانه شناسان و روش های آنان، به نظر می رسد شیوه پیشنهادی بیش از دیگر روش ها در تبیین لایه های متن ادبی کارایی دارد؛ ریفاتر برای نیل به دلالت های متن، دو گونه خوانش را پیشنهاد می کند: خوانش خطی یا دریافتی و دیگری خوانش پس کنشانه؛ خواننده در خوانش نخست، برداشتی سطحی از مفهوم متن به دست می آورد، اما در خوانش دوم پس از مشخص کردن عوامل غیردستوری می تواند از طریق چارچوب های انباشت و خوشه های تداعیگر توصیفی، به لایه های پنهان متن دست یازد.

بر این اساس در پژوهش حاضر به تحلیل و مقایسه ساقی نامه هوشنگ ابتهاج و رضی الدین آرتیمانی بر اساس دیدگاه های نشانه شناسیک ریفاتر پرداخته ایم. با توجه به فاصله زمانی، تحلیل دلالت های متون مذکور، ترسیم منظومه های توصیفی، کمینه نگاشت ها و ماتریس های دومتی، به نظر می رسد هر دو سروده از نظر ساختار متحول شده و کارکرد غنایی ساقی نامه به کارکردی اجتماعی بدل گردیده است. آرتیمانی از ژانر ادبی ساقی نامه برای بیان اندیشه های عرفانی خود و انتقاد از جامعه

بهره برده است و هوشنگ ابتهاج با بهره گیری از این ژانر در ساختار آن نیز تحول ایجاد کرده و با هنجار شکنی توانسته انتقاد خود از جامعه و نقش خود به عنوان آگاهی بخشنده و بیدارکننده خفتگان را به خواننده منتقل کند. بر این مبنا، در این پژوهش ضمن نگاهی اجمالی به سیر نشانه‌شناسی و معرفی دیدگاه ریفاتر، با به کارگیری دیدگاه‌های و تحلیل دلالت‌های متون مذکور، ترسیم منظومه‌های توصیفی، کمینه نگاشت‌ها و ماتریس‌های دو متن، ضمن توضیح دگرگونی‌ای این دو متن، تغییرات کارکرد غنایی به کارکردی اجتماعی را نشان داده‌ایم.

پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش‌هایی که در زمینه کاربرست نظریه ریفاتر در شعر فارسی صورت گرفته، به ویژه در حوزه شعر معاصر است می‌توان موارد زیر را بیان کرد:

-برکت و افتخاری (۱۳۸۹)، «نشانه‌شناسی شعر: کاربرست نظریه مایکل ریفاتر بر شعر ای مرز پرگهر فروغ فرخزاد»: در این مقاله، شعری از فروغ فرخزاد بر اساس نظریه ریفاتر بررسی شده و نظریه مذکور به عنوان الگویی مفید برای درک بیشتر خواننده از شعر معاصر معرفی شده است.

-پاینده (۱۳۸۷)، «نقد شعر آی آدمها سروده نیمایوشیج از منظر نشانه‌شناسی»: نویسنده در این پژوهش، بر اساس کاربرست نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر بر شعری از نیمایوشیج نشان داده است کدام یک از فرایندهای نشانه‌شناختی، دلالت‌ها را به خواننده القا می‌کند.

-نبیلو (۱۳۹۰)، «کاربرد نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر در تحلیل شعر ققنوس نیما»: در این مقاله، شعر ققنوس بر اساس برخی از مؤلفه‌های نظریه ریفاتر تحلیل شده است.

پژوهش‌های انجام شده جنبه مقایسه‌ای ندارند و در بررسی ژانر ساقی نامه به عنوان نخستین پژوهش می‌توان یاد کرد. همچنین علاوه بر اینکه به بررسی گونه ادبی کلاسیک می‌پردازد، فاصله زمانی به وجود آمدن دو اثر نیز اهمیت می‌یابد.

نشانه‌شناسی و نظریه ریفاتر

سوسوراولین کسی است که به طور نظاممند به بازتعریف نشانه و تفاوت آن با دیگر نظام‌های نشانه‌ای پرداخته است. (احمدی، ۱۳۷۲:۱۳). سوسور بر قرار دادی بودن نشانه نیز تاکید داشت. از نظر او صدا و اندیشه یا دال و مدلول دو روی یک سکه‌اند و رابطه متداعی بین آن‌ها پیوند برقرار می‌کند. (سجودی، ۱۳۹۰:۱۳).

پس از سوسور چارلز سندرس پیرس نشانه را همانند مناسبت میان دال و مدلول عنوان کرد که از هماهنگی سه چیز: مبنای نشانه، موضوع و مورد تأویلی تشکیل شده است (احمدی، ۱۳۷۲:۱۳).

به «مورد تأویلی» این تقسیم بندی‌ها نقدهای فراوانی وارد شده زیرا امبرتو اکو به نشانه، وجهه انسانی داده؛ در حالی که نشانه، موردی غیر انسانی است. بدون توجه به درستی یا نادرستی سخن اکو، باید گفت پیرس برخلاف سوسور، حوزه نشانه را به روان‌شناسی برده است. موضوع دیگری که در آرا پیرس اهمیت دارد تقسیم بندی انواع نشانه در سه گروه است: **نشانه شمایی** که رابطه میان دال و مدلول بر شباهت قرار می‌گیرد. **نشانه نمایه‌ای** که این رابطه بر علیت شکل می‌گیرد. **رابطه نمادین** که رابطه دال و مدلول در آن بر مبنای قرارداد است.

پس از پیرس ویلیام موریس دنباله رو پیرس بود در آراء او جنبه های متفاوت نشانه شناسی دیده می شود. وی سه جنبه برای نشانه بیان کرد:

جنبه نحوی: که به بررسی ساختارهای نحوی در زبان مربوط است.

جنبه معناشناختی: که به مناسب نشانه با موضوع می پردازد.

جنبه پرگماتیک: که به بررسی مناسبت نشانه و کاربرنده آن می پردازد (همان: ۳۱).

یکی از نظریه های ادبی که به خواننده و شیوه بینامتنی که بر توانش ادبی خواننده در تفسیر شعر تکیه دارد، نظریه نشانه شناسی مایکل ریفاتر است که «با مرکزیت توجه به شعر، از یک نظریه رمزگانی استفاده کرده تا قراردادهای زیرساختی یک متن را توصیف کند و در این کار توجه خاصی برای زبانشناسی رمزگان توسط خواننده قائل شد» (مکاریک، ۱۳۸۸: ۱۳۷). در نظر ریفاتر با معطوف کردن نشانه شناسی به ادبیات به ویژه شعر، جایگاه خواننده و مخاطب در دریافت شعر اهمیت پیدا می کند. تغییرات نشانه ای با توجه به صنایع ادبی باعث دگردیسی معنا، جابه جایی معنا و آفرینش معنا می شود. علاوه بر آن، ریفاتر توانست با مطرح نمودن کمینه نگاشت ها یا همان کلیشه هایی که تبادر کننده کلیشه های متعارف هستند، سه موضوع دیگر را مطرح کرد: تعیین چند عاملی، یعنی دال هایی که به بیرون از شعر ارجاع نمی دهند، بلکه مرجع آنها سایر دالهاست، تبدل، یعنی فرایندی که در آن عبارت یا کلیشه ای که تعدیل می شود و معنای جدیدی به دست می دهد و بسط، یعنی قاعده ای که به شاعر امکان می دهد که ایده محوری شعر را به عناصر کوچکتر تبدیل کند و هریک از آنها را جداگانه بپرورد. (پاینده، ۱۳۹۷: ۲۱-۲۲). و همه این موارد موجب رسیدن به وحدت درونی شعر می شود که «ویژگی بارز شعر وحدت درون است و خواندن شعر تلاش برای یافتن این عامل وحدت است در میان معنا. این عامل وحدت زمانی فهمیده می شود که خواننده از معنای ظاهری و آشکار شعر فارغ شود و به آن ویژگی درونی معنا دست یابد.» (نبی لو، ۱۳۹۰: ۸۴)

می دانیم که با روش ریفاتر که رویکردی کارآمد برای تحلیل متون ادبی است؛ می توان به تمام ابعاد یک شعر و زوایای پنهان آن دست یافت و این کار فقط از طریق خوانش ادبی یا تأویلی که ریفاتر بیان می کند، امکان پذیر است. چون شعریت هر متن به درک دلالت های آن بستگی دارد، نه معنای صرف، که «از قطب زبان علم به سمت زبان شعر، افزایش می یابد» (صفوی، ۱۳۹۱: ۲۲۲). با بررسی اجزای دو ساقی نامه بر اساس این نظریه به دلالت های نهفته آن ها می توان دست یافت.

مراحل خوانش:

در بحث خوانش و رمزگشایی متن، ریفاتر به دو نوع خوانش معتقد است: اکتشافی و پس کنشانه.

خوانش اکتشافی

خوانش اکتشافی اولین سطح خوانش است که خواننده که در آن نشانه ها به صورت ارجاعی تفسیر می کند خواننده نمی تواند متن را به صورت یک کل منسجم دریافت کند و در بستر همنشینی از بالا تا پایین، شروع به رمزگشایی می کند. که در آن تفسیر اولیه اتفاق می افتد و در طول این خوانش، معنا دریافت می شود. هر متن الگوهای وزنی، آوایی و بلاغی مهمی دارد که به صورت ارجاعی نمی توان تفسیر کرد. این الگوها نشانه هایی هستند که باید درک شوند، که در سطحی دیگر امکان پذیر

است. هم چنین در مرحله اول که همان سطح تقلیدی است، شعر زنجیرهای از بازنمودها به شمار می آید. یعنی یک لحظه چیزی می گوید و لحظه دیگر چیز دیگری (آلن، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

خوانش پس کنشانه

عدم ایجاد تناظر میان واژه و واقعیت که حاصل وجود موانع نادرستورمند است، خواننده را وارد مرحله دوم خوانش یعنی خوانش پس کنشانه می کند. این خوانش همان تفسیر ثانویه یا خوانش تأویلی است. خوانش پس کنشانه یا ثانویه برخلاف خوانش اکتشافی که تک بعدی و خطی است، غیر خطی است و تمام متن را در بر می گیرد.

فرآیندهای نظام ساز

از نظر ریفاتر، اساس نظام دلالتی شعر را دو فرآیند انباشت و نظام توصیفی می سازد. نظام توصیفی شبکه ای از واژگان است که به طور نظام مند بر مبنای کمینه معنایی هسته مرکزی قرار گرفته که واژگان شعر هر کدام به طور مجازی تداعیگر واژه مرکزی اند. (کالر، ۱۳۸۸: ۱۶۷)

فرآیند انباشت، زمانی رخ می دهد که خواننده با مجموعه ای از کلمات رو به رو شده که از طریق عنصر معنایی واحدی که به آن معنابن مشترک گفته می شود، به یکدیگر مرتبط گردند. کارکرد انباشت از تأکید بر معنابن های چندوجهی صورت می گیرد، زیرا این چند وجهی بودن، سبب جابه جایی معنابن ها و کلمات می گردد و خواننده به دلالت شعر نزدیک می شود (برکت و افتخاری، ۱۳۸۹: ۱۱۵-۱۱۶). در انباشت، با تأکید بر روابط مترادف واژگان با یکدیگر که حاصل از مفاهیم همپایه در شعر است، می توان معنابن هایی که کمترین حضور را در شعر دارند حذف کرد (برکت و افتخاری، ۱۳۸۹: ۱۱۶). فرآیند انباشت به متون انسجام می بخشد و نظامی متحد از واژگان به دست می دهد.

تحلیل دو ساقی نامه مطابق دیدگاه نشانه شناسی ریفاتر

ساقینامه رضی الدین آرتیمانی و ساقی نامه هوشنگ ابتهاج

خوانش اکتشافی

در نظریه نشانه شناسی شعر مایکل ریفاتر با خوانش اکتشافی، خواننده از ابتدا به انتهای متن حرکت می کند و با دریافت معنای صریح (معنای تک تک واژگان یا جملات به طور مجزا) در مقابل خوانش پس کنشانه که حرکت از انتهای متن به ابتدا به منظور بازبینی و تجدید نظر در متن است، به معنای ضمنی (معنای کل متن به صورت به هم وابسته) می پردازد. با خوانش متن (خوانش اکتشافی) ساقی نامه ها نتیجه می گیریم:

ساقی نامه ابتهاج در سی بیت، بزم مختصری است یا شاید اصلاً بزمی نیست! با خطاب او به ساقی (که مکرر است)، توصیف می، بیان اندوه خود از اوضاع روزگار، شکایت از بی ثباتی روزگار و ستم های آن، یادکرد دوستان و یاران رفته، سوگندنامه و گریز به ممدوح. ابتهاج با توجه به حجم سی بیتی شعر خود، که در قیاس با ساقی نامه های چندصد بیتی گذشته، اندک است. امکان جولان در همه آن بخش ها را نداشته است. از سوی دیگر، او به دنبال چنین ساختاری از ساقی نامه نبوده و به عنوان مثال، واژه معنی یا مطرب را به کار نمی برد، اما به شیوه ای دیگر از او با کارکردی اجتماعی و صورت نمادین با تعبیر «نواسنج

خوش خوان» یاد می کند. گویی به اصطلاح مغنی کسی است که دیگر در این بزم حضور ندارد و تنها یادی از او می شود. و نمادی است از جامعه سوت و کور و بی جان و خلوت شده روزگار خود، بزمی که می تواند جامعه غم زده زمانه شاعر باشد.

ساقی نامه (هوشنگ ابتهاج)

بیا ساقی آن می که جام آفرید
کجا تن کشد بار هنگامه اش
بیا ساقی آن می که خون حیات
به من ده که خورشید رخشان شوم
بده ساقی آن می که جان بهار
به مستی شب در گلستان بخت
بده ساقی آن می که هستم هنوز
به مستی که جان در سر می کنم
بیا ساقی آن می که چون گل کند
به من ده که چون گل بخواهم شکفت
بیا ساقی آن می که چنگ صبح
به من ده که اسب سخن زین کنم
نواسنج خوش خوان من یاد باد
برفت و برفتند از خود برون
نگه کن که راه دلم چون زدند
بیا ساقی آن می که چون بنگریم
به من ده که داغ دلم تازه شد
از آتش گذشتند با جان پاک
ولیکن بدی چون کند داوری
ستم بود آن خون فرو ریختن
بیا ساقی آن می که دفع گزند
به من ده که با داغ و دردم هنوز
دریغ آن گرانمایه سرو جان
چه پر خون نوشتند این سرگذشت
خرمند دیرینه خوش می گریست
بیا ساقی آن می که چون روشنی
به من ده کزین دامگاه هلاک
جهان در ره سیل و ما در نشیب
که خواهد رسید، ای شب آشفتهگان
مگر نوح کشتی بر آب افکند

به من ده که جان جامه بر تن دید
که او جان جان است و جان جامه اش
ازو شد روان در رگ کاینات
ز گنج نهان گوهرافشان شوم
ازو جرعه ای خورد و شد پرنگار
سحر رنگ و بو گشت و در گل شکفت
همان عاشق می پرستم هنوز
همه عمر در پای خم طی کنم
همه باغ پر بانگ بلبل کند
که راز شکفتن نشاید نهفت
بدین مایه سر کرد آواز روح
سرود کهن را نو ایین کنم
که چندین نوای خوشم یاد داد
سراپرده بردند در دشت خون
که این زخمه در پرده ی خون زدند
ز خون سیاووش یاد آوریم
سر دردمندم پر آوازه شد
که پاکان از آتش ندارند پاک
ز نیکان همان طشت خون آوری
سزای ستمکاره آویختن
ازو جست فرزانه ی دردمند
سر از جیب غم بر نکردم هنوز
که ناگه فرو ریخت چون ارغوان
دلی کو کزین غصه پر خون نگشت؟
اگر مرگ داد است بیداد چیست؟
به روز آرد این شام اهریمنی
بر ایم به تدبیر آن تابناک
بر آمد ز آب خروشان نهیب
به فریاد این بی خبر خفتهگان؟
کمندی به غرقاب خواب افکند

(ابتهاج، ۱۳۷۸: ۲۷۳)

مضامین و محتوای ساقی نامه ی صد و پنجاه و هفت بیتی رضی الدین آرتیمانی عبارتست از: بی وفانی دنیا و شکایت از آن، ناپایداری زندگی و غم و شادی هایش، عجز از گشودن راز هستی، دعوت به اغتنام فرصت، عبرت از گذشتهگان و پرهیز از

غم و اندوه است. آرتیمانی به بهانه می و مستی و استفاده از دیگر کلمات میخانه ای ناگفتنی ها را در نکوهش روزگار و اهل آن برای انتقاد از آنچه که او نمی خواهد بر زبان می آورد. ایشان من واقعی خویش را لابه لای اشعار می آورد. درد دل ها و دغدغه هایی که شاعر را به میخانه می برد تا می، بنوشد و با مغنی از بی نوایی خویش بگوید و با مستی پرده روزگار را بدرد و انتقام ناکامی های خود را از روزگار بگیرد.

ساقی نامه (رضی الدین آرتیمانی)

الهی به مستان میخانهات	بعقل آفرینان دیوانهات
به دردی کش لجه کبریا	که آمد به شآنش فرود آتما
به درّی که عرش است او را صدف	به ساقی کوثر، به شاه نجف
به نور دل صبح خیزان عشق	ز شادی به انده گریزان عشق
به رندان سر مست آگاه دل	که هرگز نرفتند جز راه دل
به اندهپرستان بی پا و سر	به شادی فروشان بی شور و شر
کزان خوبرو، چشم بد دور باد	غلط دور گفتم که خود کور باد
به مستان افتاده در پای خم	به مخمور با مرگ با اشتلم
بشام غریبان، به جام صبوح	کز ایشانسست شام و سحر را فتوح
که خاکم گل از آب انگور کن	سرا پای من آتش طور کن
خدا را بجان خراباتیان	کزین تهمت هستیم وارهان
به میخانه و وحدتم راه ده	دل زنده و جان آگاه ده
که از کثرت خلق تنگ آمدم	به هر جا شدم سربه سنگ آمدم
بیا ساقیا می بگردش در آر	که دلگیرم از گردش روزگار
مئی ده که چون ریزیش در سبو	بر آرد سبو از دل آواز هو
از آن می که در دل چو منزل کند	بدن را فروزان تر از دل کند
از آن می که گر عکسش افتد بیاغ	کند غنچه را گوهر شبچراغ
از آن می که گر شب ببیند بخواب	چو روز از دلش سر زند آفتاب
از آن می که گر عکسش افتد بجان	توانی بجان دید حق را عیان

از آن می که چون شیشه بر لب زند	لب شیشه تبخاله از تب زند
از آن می که گر عکسش افتد به آب	بر آن آب تبخاله افتد جباب
از آن می که چون ریزیش در سبو	بر آرد سبو از دل آواز هو
از آن می که در خم چو گیرد قرار	بر آرد خم آتش ز دل همچو نار

....

نگهدار این دولت از چشم بد	بکش مد اقبال او تا ابد
همیشه چو خور گیتی افروز باد	همه روز او عید نوروز باد

شراب شهادت بکامش رسان بجد علیه السلامش رسان
رضی روز محشر علی ساقی است مکن ترک می تا نفس باقی است

(کرمی، ۱۳۷۴: ۲۲۰)

خوانش پس کنشانه

با فراتر رفتن از سطح معنا در خوانش پس کنشانه، دریافتی ژرف نگرتر و تفسیری از متن حاصل می شود که موجب ایجاد شبکه شعر و گزاره های بنیادی دو شعر می شود. آنگونه که ریفاتر گفته است در خوانش پس کنشانه (معنای ضمنی)، خواننده به دنبال کشف دلالت های شعری و خوانش های متوالی از انتها به ابتدای متن است و این نادرستورمندی ها (هنجارگریزی ها) هستند که دلالت شعر را می سازند و به نشانه تبدیل می شوند. کشف دلالت های شعری از طریق بررسی زیرانگاشت ها شامل کمینه/مؤلفه های معنایی، کلیشه ها، نظام توصیفی و پیش انگاری ها است.

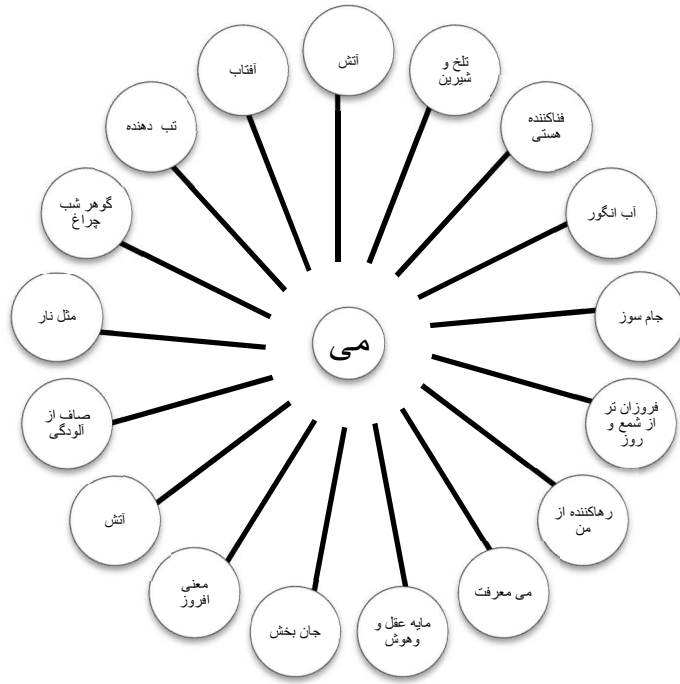
کشف دلالت های شعری از طریق بررسی زیرانگاشت ها شامل کمینه/مؤلفه های معنایی، کلیشه ها، نظام توصیفی و پیش انگاری ها است. کمینه های معنایی که کوچکترین واحد معنا در علم معنی شناسی هستند در ساخت فرایند انباشت به کار می روند. از نظر ریفاتر اساس نظام دلالتی شعر را دو فرایند انباشت و نظام توصیفی می سازد.

همان طور که بیان شد، منظومه توصیفی، شبکه ای از واژه هاست که حول محور یک واژه هسته ای با هم در ارتباطند. مبنای ارتباط، معنابین واژه هسته ای است (برکت و افتخاری، ۱۳۸۹: ۱۱۷). یک منظومه توصیفی از گروهی از واژه ها، اظهارات و تصورات تشکیل شده است که در متن به کار می روند و بر اجزایی از یک کل دلالت می کنند. که مجموعه ای از تصورات قالبی و باورهای قراردادی درباره «واژه یا مفهومی» است که محور ارتباط با منظومه است. همچنین خواننده از سطح آشکار استعارات، تعبیر و باورهای مرسوم شعری با توجه به استعارات و باورهای شعری پیشفرض ذهن خویش، با واکاوی زیرساخت های معنایی متن و جادوی هم نشینی واژگان به زمینه ذهنی شاعر و نویسنده، سفر می کند.

منظومه توصیفی اصلی هر دو شعر می است. که در ارتباط با نادرستورمندی ها باعث بروز معنای متن می شود.

نمودار منظومه های توصیفی

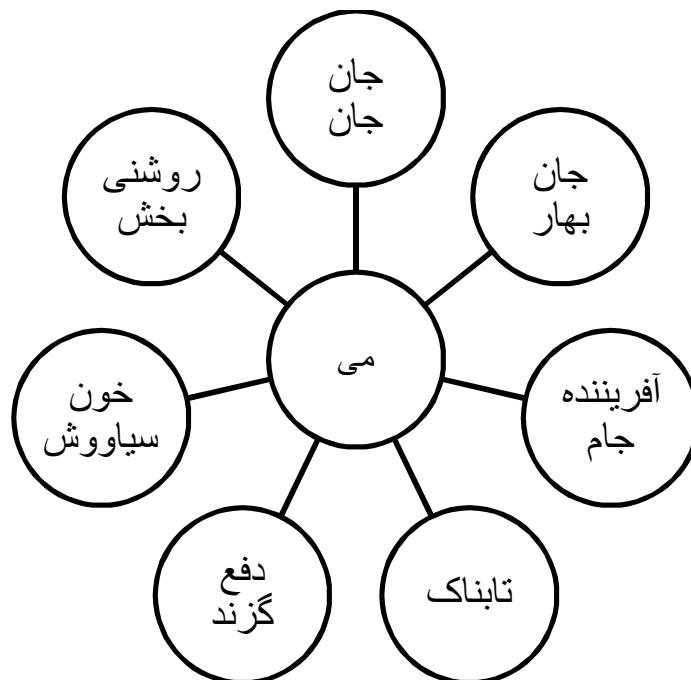
۱. می: می، یکی از موتیف های برجسته ساقی نامه های فارسی است. ساقی نامه آرتیمانی با صدوپنجاه و هفت بیت حول محور باده می چرخد. نخستین مصراع ساقی نامه وی با نام حضرت حق و باسوگند به مستان میخانه یعنی قدسیان حریم الهی آغاز می شود. در این ساقی نامه می ماهیتی عرفانی دارد. بن مایه می در ساقی نامه آرتیمانی، با اسامی و استعاره هایی چون آب انگور، نوباه تاک، گوهر شب چراغ، آتش، جان افروز، خو برو و.. و با اوصافی چون فروزانتر از شمع و روز، سوزنده جام وجود سالک، صاف و نزدیک به عرش خدا و زداینده آلودگی می آورد:



همچنین می در ساقی نامه رضی شرابی است که انسان را به جانان می رساند و جلوه ای از آن، منبیت را از او می گیرد. می او می معرفت و جان بخش و مایه عقل و هوش است. واژگانی که در اینجا با می ارتباط هستند، بن مایه عرفانی دارند و تاکید وی بر رهاکنندگی، صاف کنندگی، فناکنندگی و آفتاب و آتش بودن می، ما را به معانی عرفانی می رهنمون می کند.

می در ساقی نامه ابتهاج

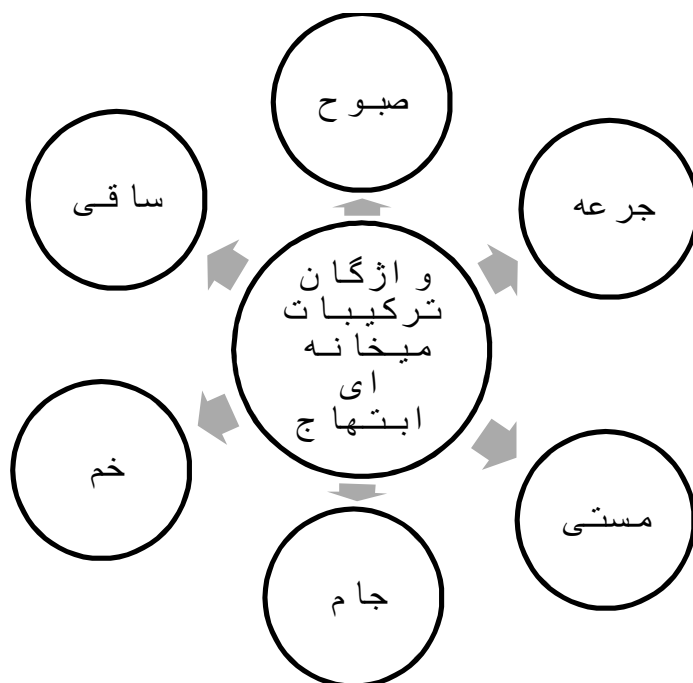
توصیف می در این ساقی نامه با توجه به حجم کم آن نسبت به ساقی نامه آرتیمانی، اندک است. در این ساقی نامه می جان جان است و آفریننده جام. و چون خونی است که در رگ کاینات جاری می شود و به آن هستی می بخشد



می در ساقی نامه ابتهاج رابطه ترادف با تابناک و دفع کننده گزند، روشنی بخش و خون سیاوشان و.. دارد. رابطه این واژگان با می، از نوع مجاز است. هر یک از این اجزاء، هسته معنایی مخصوص به خودش را به ذهن متبادر می کند. خون سیاوش علاوه بر سرخی می، یادآور خون مظلومان همه سیاوشان تاریخ است؛ این می ای است که نه میخواران و فرومایگان، که فرزندان با آن دفع گزند می کنند. در پرتو تابناکش شام اهریمنی چون روز روشن می شود و.. این می، می امید است، نیرویی هستی بخش و عشق آفرین است؛ بهانه زندگی است.

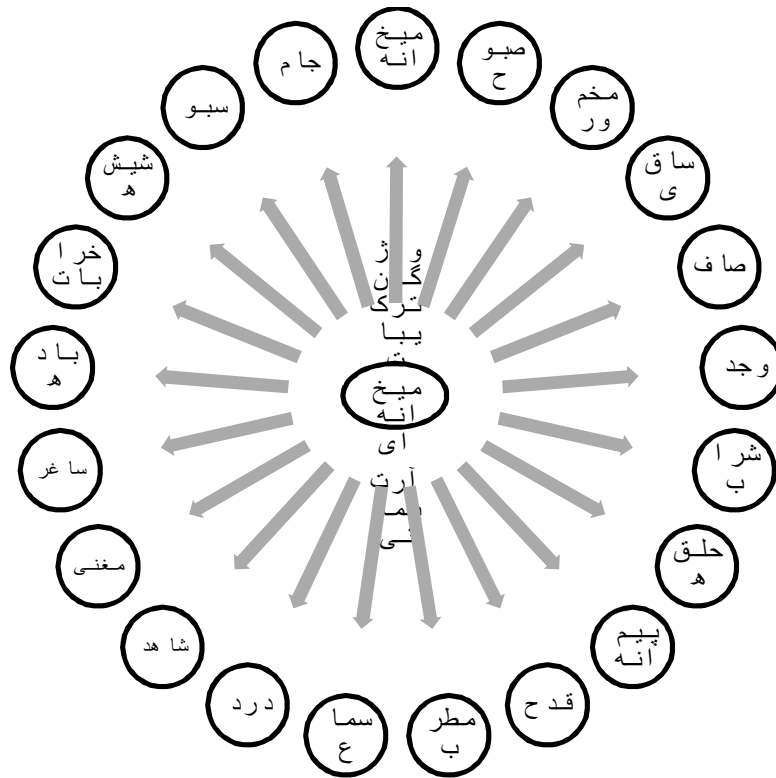
۲. واژگان و ترکیبات میخانه ای:

منظومه توصیفی دوم از واژگان و اصطلاحات میخانه ای، ساقی است. واژگان و ترکیبات میخانه ای در ساقی نامه ابتهاج منحصر به این موارد است. که البته تکرار می شوند. ساقی، جام، می، جرعه، می پرست، مستی، صیوح، سرود، زخم، پرده، راه (اصطلاح موسیقی) و خم است. در این ساقی نامه اثری از واژه ها و ترکیب های پر بسامد ساقی نامه های دیگر خبری نیست. دلایل آن می تواند علاوه بر تحولات زبان در حوزه ترکیب و واژگان، محدود بودن حجم ساقی نامه ابتهاج باشد..



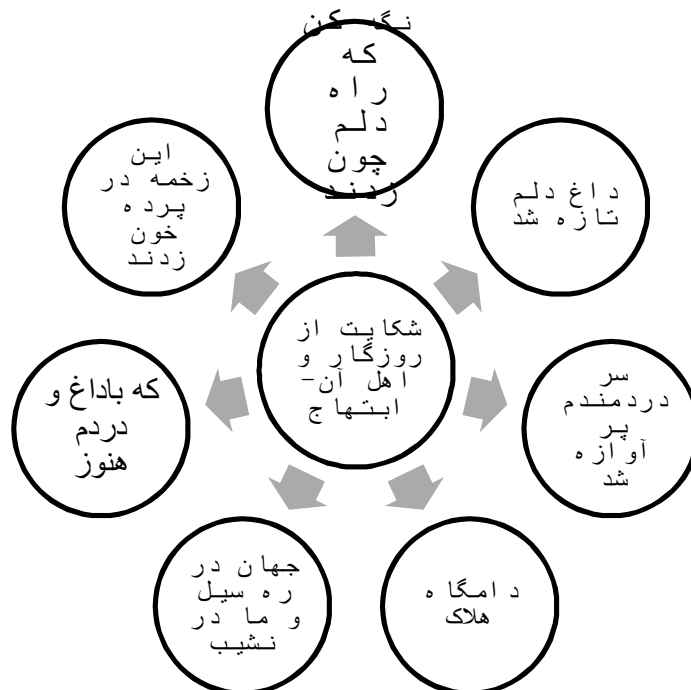
در ساقی نامه آرتیمانی ساقی و شراب و.. در معنی حقیقی خود به کار نرفته اند. ساقی در زبان عرفانی وی، به معنی پیر و انسان کامل یا شیخ و مرشدی می شود تا طریق مستی و از خویش رستن را آموزد. در این ساقی نامه، غالباً ساقی به معنی معشوق ازلی است و گاهی ساقی کوثر (امام علی ع) که شفیع شاعر خواهد بود.

رضی روز محشر علی ساقی است مکن ترک می تا نفس باقی است

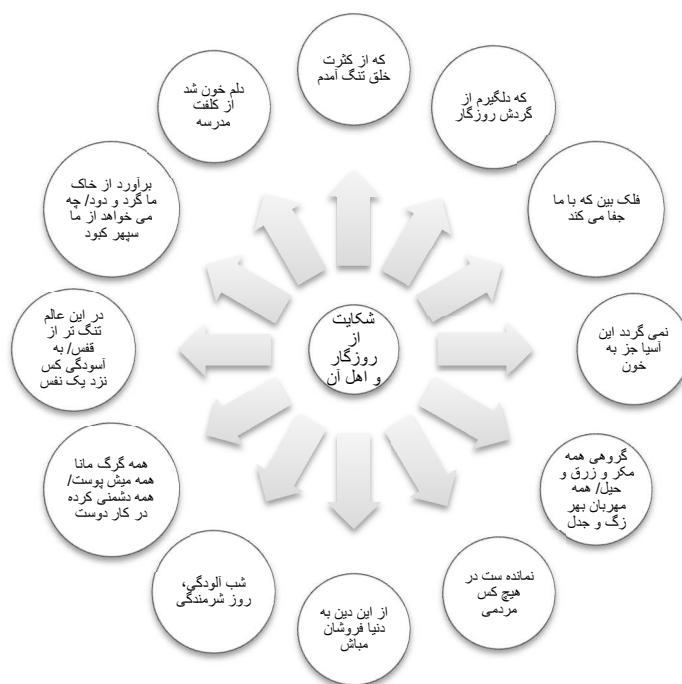


۳. شکایت از روزگار و اهل آن

در ساقی نامه ها مضامینی چون ناپایداری دنیا، بی وفایی روزگار، اغتنام فرصت و شکایت از روزگار و اهل آن و.. دیده می شود برخی از این موتیف ها را در ساقی نامه ابتهاج و آرتیمانی می بینیم.



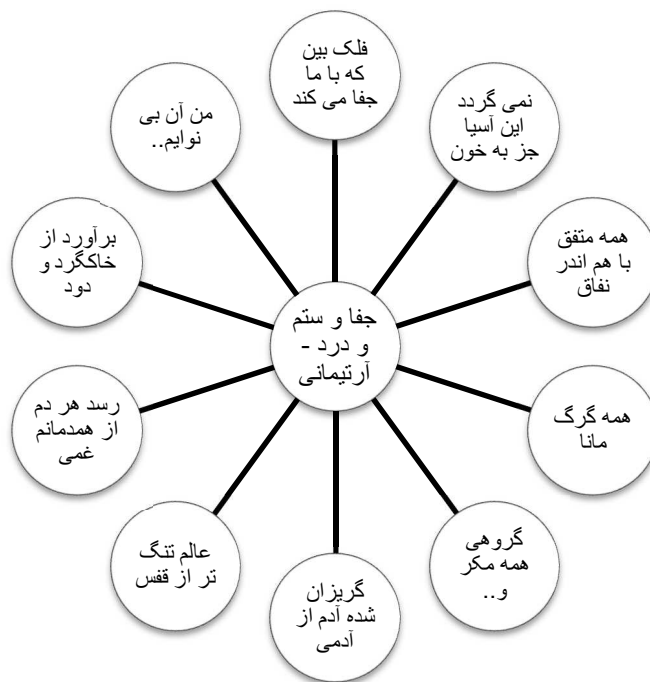
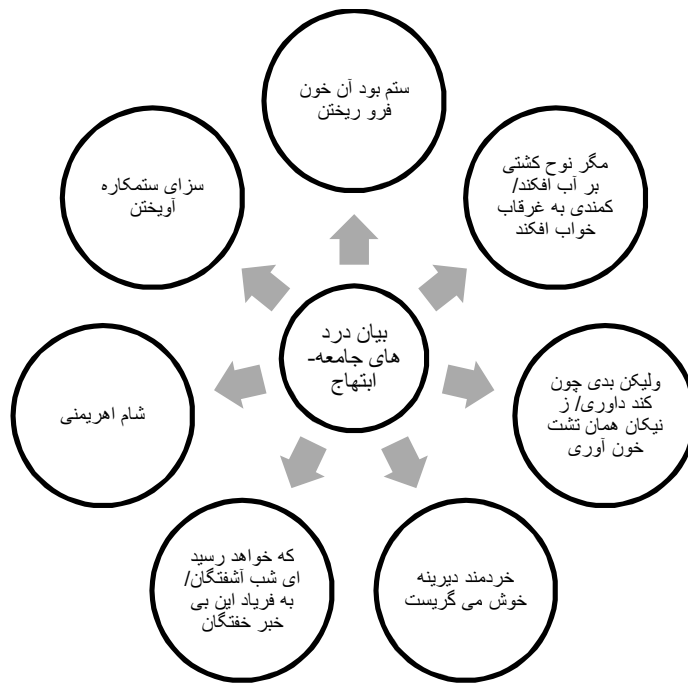
شاعر با آوردن گزاره هایی چون داغ دلم تازه شد، این زخمه در پرده خون زدند، سر دردمندم پرآوازه شد و با داغ و دردم هنوز؛ شکایت خود را به میخانه برده و روح حزن آلود خویش از جفای زمانه، با می التیام می بخشد. ساقی نامه های گذشته از جمله ساقی نامه آرتیمانی، در بخش نکوهش روزگار، رنگ اجتماعی به خود می گیرد، در حالی که ابتهاج در ساقی نامه اش گفتگو با ساقی واقعی یا خیالی و آرمانی را بهانه بیان دغدغه های فردی و جمعی جامعه خود قرار داده است. در ساقی نامه وی مبارزه با بیداد و بیان دردهای جامعه و مویه بر مرگ دوستان و عزیزان، مهم تر از بیان تقابل میان زاهد با رند و می و مستی و زهد و هوشیاری و میخانه و دیر مغان و.. است



درساقی نامه رضی الدین مضامین زهدستیزی و عقل گریزی، مخاطبه با الله دیده می شود. رضی مانند حافظ به نقد متصوفه، زهدریایی، واعظان و مدعیان می پردازد. او زهد را همعنان با افسردگی و ریا و دین فروشی تلقی می کند.

۴. بیان درد های جامعه و مبارزه با بیداد و بیداری مردم

ساقی نامه ابتهاج با کارکردی اجتماعی و آرمانی از مغنی با عنوان نواسنج خوش خوان یاد می کند. و بخش های مختلف ساقی نامه وی نمادی می شود از جامعه سوت و کور و بی جان روزگار خود است. مهم ترین عناصر تلمیحی که ابتهاج از آن در موضع اجتماعی بهره می برد، تشنه خون، گذر از آتش، گرانیامه سروجوان، تضمین مصراعی از شاهنامه و خردمند دیرینه، عناصر تلمیحی است که همه متعلق به اسطوره سیاوش و افراسیاب است. شاعر با بیان این تلمیحات به ما می گوید که مبارزان ما فقط آن ها نبودند، بلکه موجودیت این زمانی یافته اند. و با قرینه های شام اهریمنی و دامگاه هلاک به صراحت از وضع موجود انتقاد می کند و بر آنچه می بیند اعتراض دارد. با توجه به روح حزن آلود شعر، شاعر می گوید خردمند دیرینه(مثلا فردوسی) (خوش می گریست) و نه (خوش می گفت) با این تعبیر، عنصر تردید و پرسش مندرج در بیداد و یا داد بودن مرگ را نیز مورد تاکید قرار می دهد.



شاعر از گردش روزگار دلگیر است و خود را تنها و دورمانده از مردم ریاکار روزگار خودمی داند. درد آرتیمانی دردکثرت و بیگانگی انسان‌ها نسبت به یکدیگر است. بدین سبب شاعر می‌راحت تأثیر چنین دوران پر آشوب و پیرزرق و برق به شکل ناجی و راهگشا می‌بیند و آن را از ساقی درخواست می‌کند. از این منظر ساقی نامه‌وی، هویتی جامعه‌شناختی نیز می‌یابد.

کمینه نگاشت

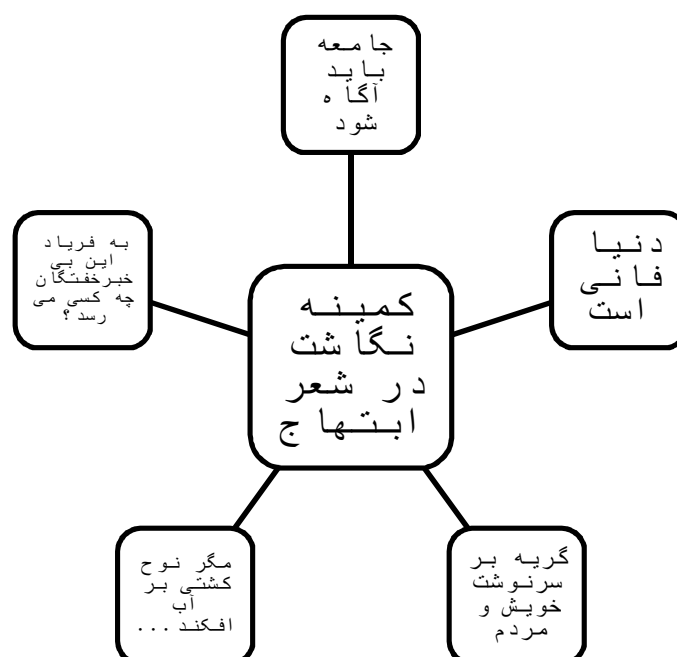
کمینه نگاشت در تحقیقات زبانشناسی فردینان سوسور به کار رفته است. این اصطلاح، تصویری از شاعر در ذهن خواننده تداعی می کند و مفهوم محوری شعر را بازگو می کند. دو اصطلاح ماتریس و کمینه نگاشت معنای نزدیک به هم دارند و این باعث اشتباه در به کار بردن آن در جای یکدیگر می شود؛ اما «کمینه نگاشت چیزی جز استعارات و تعبیر و باورهای مرسوم شعری نیست که چون کسوت و قالبی می تواند محل حلول ماتریس و معنای شعر باشد» (مظفری، ۱۳۸۷: ۳۳) از آنجا که کمینه نگاشت ها موضوعات کلیدی یک شعر هستند با گردآوری کمینه نگاشت ها، ماتریس شاعر پیدا می شود. به بیان ساده «یک تصویری که در ذهن خواننده هست یا واژه یا عبارتی که در متن تداعیگر آن است» (سلدن و ویدوسون، ۱۳۷۷: ۸۶) بنابراین کمینه نگاشت به خودی خود دلالت شاعرانه ندارد، بلکه تأکید خواننده به رمزگشایی از معانی صریح و تلویحی کمینه نگاشت است (همان: ۲۶) که به آن شعریت می بخشد و شعر، با تبدیل یک کلمه یا جمله به متن حاصل می شود. گسترش و تبدیل یک قالب به متن، موجب ایجاد مجموعه ای از نشانه های آشکار می شود که بعضی از آنها، نشانه های شعری به شمار می آیند. این نشانه ها، زمانی محقق می شوند که به گروه کلماتی از قبل موجود، ارجاع داده شوند. به عبارتی تبدیل ها در تفسیر زبان مجازی، به دانش فرد درباره جهان خارج بستگی ندارد، «بلکه تنها به کمینه نگاشت هایی که انواع مختلفی دارند، وابسته اند یعنی موارد پیوند با کلیشه های گذشته و نظام های توصیفی و متون شعری قبلی» (کالر، ۱۳۹۰: ۱۷۸)

کمینه نگاشت در نگاه ریفاتر جمله های شناخته شده، واژگان یا عباراتی است که خواننده با خواندن جمله، واژه، عبارت و تصویری شاعرانه، آن را یادآوری می کند.

کمینه نگاشت در شعر ابتهاج ۱. با غم و اندوه از ستم دیرینه سخن می گوید ۲. از می می خواهد که این شام اهریمنی و بیداد را روز کند ۳. فانی بودن جهان را یاد می آورد ۴. باید به فریاد این بی خبر خفتگان برسد ۵. سرانجام خود را چون نوح می بیند که مردم را از غرقاب خواب نجات می دهد.

نکودار کمینه نگاشت ها

۱. کمینه نگاشت های ساقی نامه ابتهاج



مثال:

پرخون/ غصه/ سرگذشت/خوش می گریست/ مرگ / بیداد

چه پر خون نوشتند این سرگذشت
دلی کو کزین غصه پر خون نگشت ؟
خردمند دیرینه خوش می گریست
اگر مرگ داد است بیداد چیست ؟

دامگاه هلاک/سیل/آب خروشان/ نهیب/فریاد/ بی خبر خفتگان/ شب آشفتگان/ غرقاب خواب

به من ده کزین دامگاه هلاک
جهان در ره سیل و ما در نشیب
بر ایم به تدبیر آن تابناک
بر آمد ز آب خروشان نهیب

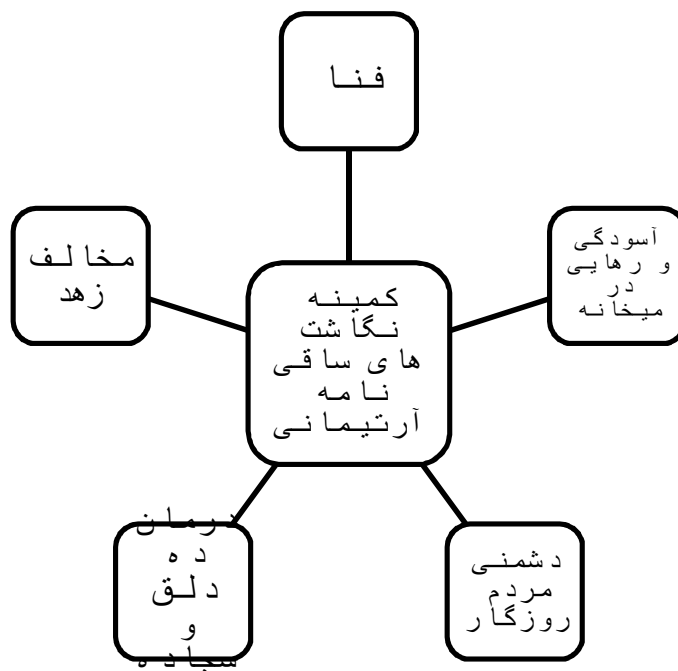
که خواهد رسید، ای شب آشفتگان
مگر نوح کشتی بر آب افکند
به فریاد این بی خبر خفتگان ؟
کمندی به غرقاب خواب افکند

سر کردن آواز روح/نوآیین کردن سرود کهن/اسب سخن زین کردن/نواسنج خوش خوان/ نوای خوش/زخمه در پرده خون
زدند/داغ دلم تازه شد/سر دردمندم پر آوازه شد

بیا ساقی آن می که چنگ صبح
به من ده که اسب سخن زین کنم
نواسنج خوش خوان من یاد باد
برفت و برفتند از خود برون
نگه کن که راه دلم چون زدند
بیا ساقی آن می که چون بنگریم
به من ده که داغ دلم تازه شد
سر دردمندم پر آوازه شد

۲. کمینه نگاشت های ساقی نامه آرتیمانی

در ساقی نامه آرتیمانی برای تاثیر کلامش با سوگند به مستان میخانه و دردی کش لجه کبریا و نور دل صبح خیزان و رندان سرمست آگاه دل و.. آغاز می کند. از زاهدان ریایی بیزاری می جوید و با می هستی خود را فنا می کند و با آب تاک روان خویش را پاک می کند؛ با قرار دادن مسجد و میخانه و زاهد و می پرست و دین و عقل روبروی هم به صف صوفیان می پیوندد. و با زخمه چنگ و چشیدن باده تلخ خود را فانی می کند. از جامعه ای که انسانیت در آن نمانده و پر از نفاق و در لباس گرگ هستند و دشمنی پیشه آنان است، بیزاری می جوید.



/ حضوری کردن/کسب نور/بگلخن درون رشک گلشن شوی/بی من شدن/برون ها سفید درون ها سیاه/

به میخانه آی و حضوری بکن	سیه کاسه‌ای کسب نوری بکن
چو من گر ازین می تو بی من شوی	بگلخن درون رشک گلشن شوی
چه میخواهد از مسجد و خانقاه	هر آنکو به میخانه برده است راه
نه سودای کفر و نه پروای دین	نه ذوقی به آن و نه شوقی به این
برونها سفید و درونها سیاه	فغان از چنین زندگی آه، آه

ردای ری را دور بینداز/ایخ بستن (ناپختگی)/فزون از دو عالم بودن/شاد بودن به این زندگی و عار نداشتن/فراغت در میخانه است و نه مسجد؛

ردا کز ریا بر زنج بسته‌ای	بینداز دورش که یخ بسته‌ای
فزون از دو عالم تو در عالمی	بدینسان چرا کوته‌ی و کمی
تو شادی بدین زندگی عار کو	گشودند گیرم درت بار کو؟

درمانده دلخ و سجاده/حدیث فقیهان نکردن/مکن قصه زاهدان هیچ گوش/قدح بنوش

نماز ار چه درماندهٔ دلخ و سجاده‌ای	مکش بار محنت، بکش باده‌ای
ز قطره سخن پیش دریا مکن	حدیث فقیهان بر ما مکن

مکن قصه زاهدان هیچ گوش
 قدح تا توانی بنوشان و نوش
 سحر چون نبردی به میخانه راه
 چراغی به مسجد مبر شامگاه
 نه از روی مستی کنی
 به مسجد درون بت‌پرستی کنی
 به مسجد رو و قتل و غارت ببین
 به میخاه آی و فراغت ببین

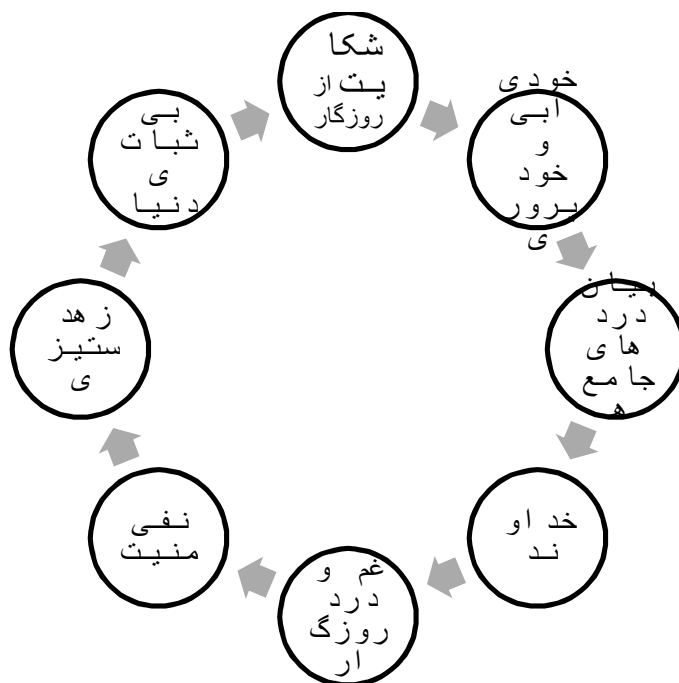
ماتریس ساختاری

مضمون یا دلالت‌هایی که در روساخت شعر نهفته هست و با توانش ادبی خواننده کشف می‌شود، ماتریس نام دارد که با توجه به کلماتی که در هسته و مرکز شعر قرار دارند، درک می‌شوند. شناخت هر یک از این شبکه‌های ساختاری باعث درک بیشتر دلالت‌هایی که در روساخت شعر وجود دارد و کشف آن با توانش ادبی خواننده درک شعر را آسان کند. «شبکه ساختاری، واژه، عبارت یا جمله‌ای است که بتواند به عنوان ریشه تداعی‌های واژگانی و مفهومی، متن شعر را بازنویسی کند.» (نبی‌لو، ۱۳۹۰: ۸۶) این شبکه به صورت مستقیم دست نمی‌آید، انباشت‌ها، منظومه‌ها و تداعی‌ها آن را به وجود می‌آورد و سرانجام به شعر، وحدت می‌بخشد.

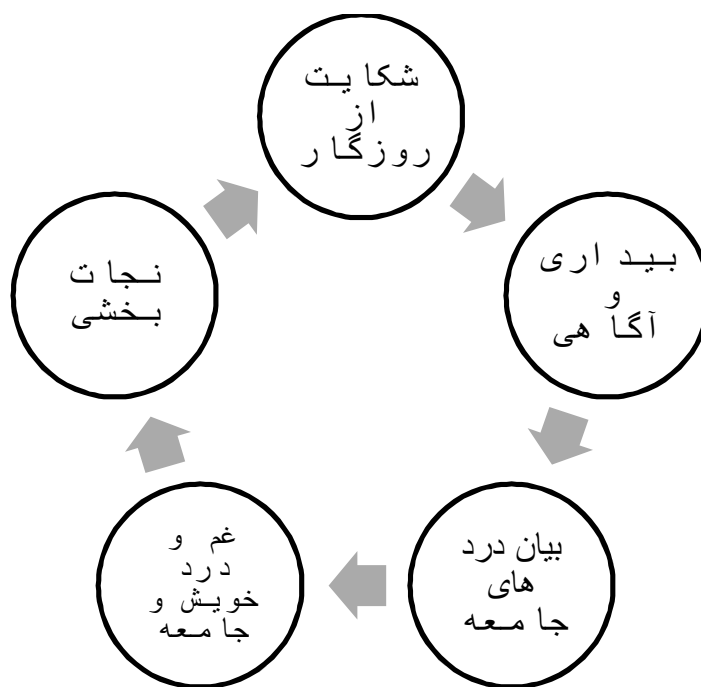
در ساقی‌نامه آرتمانی، برای رهایی از دردهای جامعه و بی‌ثباتی دنیا باید در نفی منیت کوشید و با زهد مبارزه کرد و سرانجام به خداوند که پایان‌دهنده هر نوع ظلم و بیداد است، رسید.

نمودار ماتریس‌های دو ساقی‌نامه

۱. ساقی‌نامه آرتمانی:



در ساقی‌نامه ابتهاج، درد‌های جامعه و غم و درد خویش‌رهایی و پایانی ندارد، مگر اینکه نجات‌دهنده‌ای بیدار و آگاه کند و از بی‌خبری نجات دهد.



نتیجه

پس از تحلیل و بررسی دو ساقی نامه منتخب بر اساس دیدگاه ریفاتر، حاصل متن ساقی نامه آرتیمانی و ابتهاج، به شرح زیر است:

آرتیمانی:

۱. زهد ستیزی
۲. عقل گریزی
۳. تصوف فراق و سوز و گداز
۴. نفی منیت
۵. سوگند به عناصر مربوط به میخانه
۶. تقابل صومعه و میکده
۷. انتقاد از زاهد و صوفی
۸. توصیه به رندی و ملامتی
۹. اغتنام فرصت و خوش باشی و پرهیز از غم و اندوه
۱۰. نکوهش روزگار و اهل آن
۱۱. عجز از گشودن راز هستی

ابتهاج:

۱. بیان اندوه جمعی
۲. شکایت از بی ثباتی روزگار و ستم های آن
۳. یاد دوستان و یاران رفته
۴. وصف بزم دلمرده که همان جامعه است

با بهره گیری از واژگان میخانه ای و معانی مجازی آن، روح عرفانی در کالبد ساقی نامه آرتیمانی دمیده شده و در کنار آن دغدغه های اجتماعی شاعر و ناگفتنی هایی که در انتقاد از جامعه با استفاده از کلمات میخانه ای به زبان می آورد، ساقی نامه آرتیمانی را برجسته می کند. ابتهاج نیز از ظرف کهنه استفاده روزآمد کرده، علاوه بر قالب، با گزینش کلمات و ترکیبات نو، میان گذشته و امروز پلی ایجاد کرده و بیداد و ظلمی را که در طول تاریخ تا زمان شاعر همچنان وجود دارد را برای خواننده توصیف می کند. هر دو به کمینه محتوای مشترک بیان درد های خویش و انتقاد از جامعه خفته و ریاکار پرداخته اند. ساقی نامه ابتهاج با پیوند تعبیر خویش به اساطیر و نقش هر یک از ترکیبات در درک پیام های شاعر، جایگاه مهم تری نسبت به آرتیمانی در خوانش اکتشافی دارد.

منابع:

۱. ابتهاج، هوشنگ (۱۰۵ سایه) (۱۳۷۸)، سیاه مشق، تهران: نشر کارنامه.
۲. احمدی، بابک (۱۳۷۲)، از نشانه های تصویری تا متن، چ اول، تهران، مرکز.
۳. احمدی، بابک (۱۳۷۸)، ساختار و تأویل متن، چ چهارم، تهران، مرکز.
۴. انوشه، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگنامه ادبی فارسی، دانشنامه ادب فارسی: اصطلاحات، موضوعات، و مضامین ادب فارسی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۵. آرتیمانی، رضی الدین (۱۳۶۱)، دیوان (مشمتمل بر ساقی نامه و سوگندنامه، غزلیات، قصاید، رباعیات، قطعات، مفردات)، به تصحیح محمدعلی امامی، تهران: نشر خیام. نامه پژوهش های ادبی، شماره ۲۰ و ۲۹، صص ۲۰۲-۳۳
۶. آرتیمانی، رضی الدین (۱۳۷۳)، دیوان، به تصحیح و مقدمه اسماعیل شاهرودی، تهران: نشر فخر رازی.
۷. برسler، چارلز (۱۳۸۶)، درآمدی بر نظریه ها و روش های نقد ادبی، مصطفی عابدینی فرد، چ اول، تهران، نیلوفر
۸. برکت، بهزاد و طیبیه افتخاری (۱۳۸۹)، «نشانه شناسی شعر، کاربست نظریه مایکل ریفاتر بر شعر ای مرز پرگهر فروغ فرخزاد»، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات تطبیقی، س ۱، ش ۴، صص ۱۰۹-۱۰۹. فصلنامه پژوهش های زبان و ادبیات تطبیقی. دوره ۱، شماره ۴
۹. پاینده، حسین (۱۳۸۷)، «نقد شعر آی آدم ها سروده نیما یوشیج از منظر نشانه شناسی»، نامه فرهنگستان، س ۴، ش ۱۰، صص ۹۵-۱۱۳.
۱۰. تمیم داری، احمد (۱۳۸۴)، «نشانه شناسی و ادبیات»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ش ۹۶، صص ۴۶-۵۳
۱۱. جوکار، منوچهر (تابستان و پاییز ۱۳۸۵)، «ملاحظات در ساختار ساقی نامه با تأکید بر دو نمونه گذشته و معاصر»، فصلنامه پژوهش های ادبی، شماره ۱۲ و ۱۳، صص ۹۹-۱۲۱
۱۲. چندلر، دانیل (۱۳۸۷)، مبانی نشانه شناسی، مهدی پارسا، چ چهارم، تهران، سوره مهر

۱۳. حسینی کازرونی، سید احمد (۱۳۸۵)، ساقی نامه ها: نگرشی به ساقی نامه‌ها در ادب فارسی همراه با شرح حال مختصر ساقی نامه سرایان و اشعار آنان تهران: زوار
۱۴. رضایی، احترام (۱۳۸۷)، ساقی نامه در شعر فارسی، تهران: امیرکبیر
۱۵. رضایی، احمد (۱۳۹۳)، تحلیل و بررسی ساقی نامه بهار، پژوهشنامه ادبیات غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال دوازدهم، شماره ۲۲، صص ۱۲۹-۱۴۸
۱۶. زرین چیان، غلامرضا (۱۳۵۵)، «ساقی نامه در ادب فارسی» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد سال دوازدهم پاییز ۱۳۵۵ شماره ۴۷
۱۷. سجودی، فرزانه و فرناز کاکه خانی (۱۳۸۷)، «تعامل سیلان نشانه ها و هنجارگریزی معنایی در گفتمان شعر»، هنر و معماری: زیباشناخت، ش ۱۹، صص ۲۸۹-۳۱۴
۱۸. سجودی، فرزانه (۱۳۸۳)، نشانه شناسی کاربردی، چ دوم، تهران، قصه.
۱۹. سجودی، فرزانه (۱۳۹۰)، نشانه شناسی: نظریه و عمل، چ دوم، تهران، نشر علم.
۲۰. سلدن، رامان و پیترو ویدوسون (۱۳۷۷)، راهنمای نظریه ادبی معاصر، عباس مخبر، چ اول، خرمشهر، طرح نو.
۲۱. سیباک، تامس آلبرت (۱۳۹۱)، نشانه ها: درآمدی بر نشانه شناسی، محسن نوبخت، چ اول، تهران، علم.
۲۲. شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۸)، «راهی به نشانه-معناشناسی سیال؛ با بررسی موردی (ققنوس) نیما»، چ اول، تهران، انتشارات علمی فرهنگ
۲۳. شمس نصرتی، رسول سید حسن سیدترابی و علی محمد مؤذنی و محمدرضا شادمان (پاییز ۱۳۹۹)، «تحلیل ماهیت می در ساقی نامه رضی الدین آرتیمانی»، تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا) دوره ۱۲ شماره ۴۵
۲۴. شیدا، شهرزاد (اسفند ۱۳۸۵ و فروردین ۱۳۸۶)، ساقی نامه ها در ادب فارسی، رودکی شماره ۱۲ و ۱۳
۲۵. عظیمی فرد، فاطمه (۱۳۹۲)، فرهنگ توصیفی نشانه شناسی، چ اول، تهران، عل
۲۶. فخرالزمانی قزوینی، ملا عبدالنبی، تذکره میخانه، (۱۳۶۷) به اهتمام احمد گلچین معانی احمد گلچین معانی، تهران: اقبال و شرکاء
۲۷. فردوسی، جلد ۱۲، شماره ۳، صص ۵۸۶-۵۷۱
۲۸. قائمی نیا، علیرضا (۱۳۸۵)، «نشانه شناسی و فلسفه زبان»، ذهن، شماره ۲۷، صص ۳-۲۴.
۲۹. کالر، جانانان (۱۳۸۶)، فردینان دوسوسور، کورش صفوی، چ دوم، تهران، هرمس.
۳۰. کالر، جانانان (۱۳۹۰)، در جستجوی نشانه ها (نشانه شناسی، ادبیات و اسازی)، لیلا صادقی و تینا امراللهی، چ دوم، تهران، علم.
۳۱. کرمی، احمد (۱۳۷۴)، دیوان رضی الدین آرتیمانی، کتا خانه منوچهر، چاپ دوم
۳۲. گلچین معانی، احمد (۱۳۶۸)، تذکره پیمان، انتشارات کتابخانه سنایی
۳۳. مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۸)، دانش نامه نظریه های ادبی معاصر، مهران مهاجر و محمد نبوی، چ سوم، تهران، آگه
۳۴. نبی لو، علیرضا (۱۳۹۰)، «کاربرد نظریه نشانه شناسی مایکل ریفاتر در تحلیل شعر ققنوس نیما»، فصلنامه پژوهش های زبانشناختی در زبان های خارجی، دوره ۱، ش ۱، صص ۸۱-۹۴